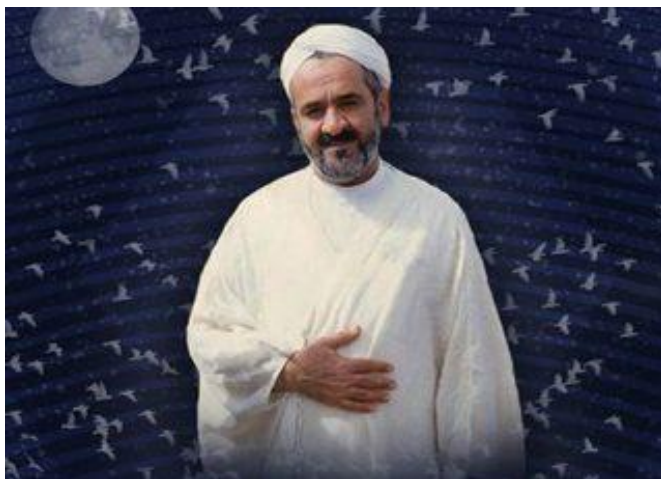


محترم محمد عالم افتخار

یک سخنور دینی در مقام تحقق اساسی ترین «سنت پیامبر»

ساعاتی پیش «شوخی، ورزش و مسابقه پیامبر ص با حضرت عایشه رض ...» نام ویدیوکلیپی در یوتیوب؛ توجهم را به تندی جلب کرد. ویدیو را دانلود و دو سه بار شنیدم و جداً منقلب شدم. تصمیم و شاید هم حوصله نداشتم که این هفته چیزی بنویسم و برای نشر پُست نمایم ولی هرچه برنامه و مشغولیت به شمول تطبیق هدایات دکتوران کنار رفت تا مهبای عرایض کوتاه به دوستان پیرامون این ویدیو و محتوا و جایگاه آن گردیدم.



دوستان و مخاطبان عزیز!

متأسفانه موعظه های ملا ها و خطیب های مساجد در افغانستان اغلب چندان وصفی ندارد، فقط همینکه بسیار زیانبار و فتنه انگیز نباشد؛ باید از آنها متشکر بود.

دلایل و عوامل زیادی هست که باعث میشود؛ ملا ها و خطیب ها یا به فقر معلومات دینی و معلومات عمومی به سطح آفاقی و جهانی و تاریخی گرفتار باشند و یا عمداً شتتسوی مغزی شده؛ و مسموم گردیده با ایدئولوژی های سیاه و افراط گراییه...

یا اصلاً قابلیت تعمق و تفکر بر دنیای پیرامون؛ از خانواده شخصی تا خانواده جهانی بشری را نداشته و به مشتی دگم ها و جزمیات معتاد و منجمد باشند.

این درست است که ادیان محصول دوران های بدویت نوع بشر است از جمله ادیان ابراهیمی محصول دوران چوپانی و مغاره نشینی و زیستار های قبیلوی خیلی کهن میباشد.

مگر جبر های قاهره محیط تحول یابنده، هیچگاه و در هیچ کجا مجال نداده است که ادیان در حالت های نخستین خویش بلا تغییر باقی بمانند؛ دیوانه ترین آدم روی زمین شاید کسی باشد که دعوی کند؛ یهودیت امروزی؛ همان یهودیت زمان موسی است، عیسویت امروزی همان عیسویت زمان عیسی بن مریم و اسلام امروزی همان اسلام زمان محمد مصطفی در مکه یا مدینه.

حتی به برکت همین تحولات و تغییرات و انکشافات مطابق نیاز های عصر و زمان بوده که این ها و سایر ادیان عالم دوام آورده و عطش ایمانی آدم ها را سیراب کرده بر ترس ها و اوهام و احلام بیحد و بیکران ناشی از بیچاره گی آدمی در پهنای کائینات به حدود ممکن؛ سکنا بخشیده اند.

اینکه برخی از مدعیان اجاره و مالکیت دین و ایمان مردمان طی هزاران سال گذشته بشریت؛ مرتکب جنایات شده و شداید و مصایب عظیمی را از نام دین بر توده های انسانی روا داشته و تحمیل کرده اند؛ به طور یک عام؛ میرهن و معلومدار است ولی ورود به جریانات و حکایات آنها بحث دراز دامن میباشد که خوشبختانه خیلی خیلی هم این امر مبرم انجام گرفته و اینک کتاب های چاپی و انترنیتی و فیلم ها و آثار عدیده دیگر در مورد؛ فراوان به دسترس قرار دارد.

اما برخی دیگر از مدعیان سکانداری دین و ایمان مردمان هم بوده اند که با عقل و منطق و بعد ها با ریاضی و علوم دقیقه و پایه ای و این روز ها مزیداً با ساینس و تکنولوژی معاصر با اصول و فروع اعتقادی یا ادعایی خویش کلنچار رفته اند، به درک ها و رهیابی های جدید و جذاب و دنیا پذیر رسیده خدماتی در جهت انکشاف معارف دینی و تلفیق آن با کشفیات و دانش ها و دگرگونی های جامعه و طبیعت منجمله شهر و ده «مدنیت و بدویت»؛ انجام داده اند و کماکان انجام میدهند.

از همین ردیف شمار نه چندان کمی نیز توفیق یافته اند که کشفیات دورانساز به عمل آورند و اصلاً در سلسله پیشتازان علوم ساینسی و تکنولوژی های مدرن تا مرز کامپیوتر و هوش مصنوعی و ژنتیک و بیونیک قرار بگیرند بدون آنکه در ایمان دینی شان جزئی ترین خللی رونما گردیده باشد.

مقایسه بین این نحله دینی یا به عبارت معمول: کشیش ها و ملا ها؛ با نحله های اول الذکر که به ویژه در قرون وسطی اروپا از مقام کلیسا ها بد مستی های ددمنشانه کردند و در عصر کنونی بیشتر با پرچم سفید و سیاه «کلمه دار» اسلامی به تحریک و تمویل گلوبالیست های جهانخوار خون میزیند و آتش میزنند و ویران میکنند؛ درینجا مقدر نیست.

البته ناگفته نماند که نه امروز و نه در گذشته ها افراط گرایی دهشت افگانه منحصر به یک دین چون اسلام نبوده و نیست. عین بیماری و هیستری افراط گرایی دهشت افگانه و متعصبانه نژادی و دینی تا سرحد فاشیسم همین اکنون در جوامع یهودی و مسیحی هست و در سایر جوامع دینی و غیر دینی نیز تعصب و تشدد منافی نمی باشد!

ولی در میانه نخله های یاد شده پیشوا های دینی؛ ملا ها و خطبایی که با عقل سلیم بشری؛ اطلاعات از جامعه و عصر و کشور و جهان و انالیز خردمندانه این اطلاعات در چوکات تعلیمات یادگرفته شان و باور ها و معتقدات دینی؛ منبر ها و تریبون های دست داشته شان را ارزشمند و جذاب و آموزنده برای خلق میسازند؛ جداً سزاوار حرمت و حمایت و تحسین و آفرین اند.

ثمر و اثر کارنامه های این نحله خیلی ها سازنده و حیاتی است تا جاییکه بنده در گذشته های نه چندان دور به نبرده گان جنبش چپ و مترقی پیشنهاد کرده بودم که تلاش نمایند تا کادر هایی آگاه و دانای مجهز به تعلیمات و هویت دینی آماده کرده منابر و تریبون های دینی و مذهبی را حتی الامکان از خود سازند و طبعاً عالمان و خطیبان آزاده و با منطق و رهنما و راهگشا را عزیز دارند و مساعدت های مطلوب رسانند. اینک بهترین نمونه خطیب آزاده و صاحب منطق رسا و رهگشا. شاید سایر خطبه ها و بیانات و مواعظ این بزرگوار دارای عین همین کیفیت و سمت و سو نباشد، با آنهم بعید است که چنین ملا و دانشمند دینی و آگاه بر عصر و زمان؛ زبان به افراط گرایی و نفرت پراگنی دینی و تعصب و تشدد... بگشاید. لطف نموده با دقت این ویدیو کلیپ را ترجیحاً در جمع خانواده و دوستان بشنوید و به سایر عزیزان تان بفرستید.

[شوخی - ورزش و مسابقه پیامبر ص با حضرت عایشه رض - شیخ محمد صالح پر دل - قدرت ایمان](#)

<https://www.youtube.com/watch?v=sM-u5UYij-U>

ملاحظه میفرمایید که جناب شیخ محمد صالح پرذل؛ از مسجد و نماز و نمازخانه به درجه اولی تجلیل میدارد و نماز را هم نیازی از نیاز های انسانی می شمارد. تا اینجا او با ملا های حق و ناحق اینجایی و آنجایی فرقی ندارد.

ولی فرق فاحش او با سایرین بلافاصله پس از این پدیدار میگردد:

«یک تحقیق؛ من در استان (ولایت) کردم به کمک دوستان. نابرابری وجود دارد. نیاز های بچه ها تنها مسجد و مدرسه نیست. همانطور که مسجد نیاز است به پارک هم نیاز است به سالون ورزش و زمین بازی هم نیاز است، به درمانگاه هم نیاز است... اینها نیاز های یک شهر است... به کمک دوستان تحقیق کردیم که برای منطقه خودمان برای هر جوان بر نماز خواندن بین 1متر تا 5 متر فضا وجود دارد. برای نماز من نیم متر جا کفایت، چهار و نیم متر؛ من اضافه دارم.

به ورزش؛ برای هر جوان 1 سانت تا 3 سانت جا هست. برای دختر ها که یک سانت هم نیست... در مناطق خودمان تعصباتی هست که اصلاً اجازه نمیدهند، اگر سالون سرپوشیده بانوان هم باشد دختران بروند و ورزش کنند... واقعاً ظلم است. کشور ما یکی از (سیر) جوانترین کشور های دنیاست.

... تفریح سالم (جوان - دختر - پسر) است تا روحیه (روان شاداب) داشته باشد. هرکس روحیه

ندارد؛ هیچ هنری نمیتواند داشته باشد. افسرده شدی؛ کارایی ات از بین می رود.»

افسردگی چه بسا به جوانمرگی منجر میگردد و در هر حال، افسردگی؛ معنا و مصداق مرگ تدریجی است و زمینه ساز جرم و جنایت و بالاخره عدم تحرک اجتماعی و عقبمانی و بدبختی اکثریت ها میگردد. واعظ محترم ما میگوید که اسلام در زمان پیامبرش مشوق «تفریحات سالم» بوده است و پیامبر اسلام؛ خود از جمله با خانم جوان شان بی بی عایشه شوخی، ورزش و مسابقه میکردند.

ضمن نثار درود و سلام به این سخنور اندیشنده و تحقیق کننده؛ در پایان می‌خواهم خاطر نشان کنم که ملاها و پیشوایان دینی همه از «سنت پیامبر» و اطاعت از آن سخن گفته‌اند و می‌گویند. ممکن است یک سنت پیامبر اسلام «شوخی، ورزش و مسابقه» کردن با خانم‌شان باشد.

ولی حضرت عیسی پیامبر پیشین‌تر؛ اصلاً ازدواج نکرده بودند؛ و هکذا ممکن است عین همین «سنت» در هیچ پیامبر دیگری برجسته نبوده باشد.

لذا ملایان و عالمان دینی محترم ما باید چنان «سنت پیامبر» را بیابند و بالا آورند که بدون آن اساساً هیچ کس پیامبر نشده و نمیتوانسته است؛ پیامبر شده باشد.

به نظر این کمیته چنین «سنت پیامبر» و پیامبران در مجموع؛ سنت نقد و شک و تردید بر وضع زمان خود و تشخیص جهالت‌ها و تعصبات، امضای درستی‌ها، ذم و طرد نادرستی‌ها، اجرای اصلاحات و تأمین ممکن‌نیازهای جسمانی و روانی مردم است که در کتاب‌های مقدس حدود رسالت هر پیامبر؛ قومش و اهالی‌زبانی معین می‌باشد.

هیچ بنی بشری به تبعیت کورکورانه از باورهای عوام و فرهنگ میراثی و تقلید از سلف و اسلاف؛ پیامبر نشده است. البته حضرت عیسی مسیح می‌گفت: که نیامده است حتی یک «واو» تورات را تغییر دهد ولی در حدی با ملایان و پیشوایان دینی مدعی دروغین پیروی از تورات مقدس مبارزه کرد که آنان را وحشت رسوایی و از دست دادن تمامی امتیازات فرا گرفت.

چون سرزمین یهودی در آن زمان تابع امپراتوری روم بود، سکانداران دینی و ارباب امتیازات و مقامات مذهبی یهود به امپراتوری روم پناه برده با نیروی حکومتی؛ عیسی مسیح را متهم و محاکمه و محکوم به اعدام با صلیب ساختند.

اینکه جناب شیخ صالح پردل در اوضاع محیط و استان و کشور و بالاخره عصر و زمان خود تحقیق و مطالعه و نقد و بررسی میکنند؛ در آن ظلم و بی‌عدالتی می‌بینند و نیازهای ظاهراً نوی می‌یابند که

برآورده نمیشود و فریاد اصلاحگری و بهسازی سر میدهند؛ میتوان گفت از اساسی ترین سنت همه پیامبران

تبعیت کرده اند. اجر خداوندی و احسنت همه پیامبران نصیب شان!